

جورج سوروس' میلیاردر آمریکایی، که در بحرانهای آسیای جنوب شرقی و روسیه و همچنین بحران مالی انگلستان یکی از مقصرین اصلی به شماره می رود، در گفتگوی با 'اشپیگل'، بحران اخیر مالی در جهان را به بحث کشیده و از ماهیت دوگانه خود دفاع کرده است.

'سوروس' می گوید: ما شاهد یک فروپاشی عظیم در اقتصادهای پیرامونی نظام سرمایه داری بوده ایم هر چند که تاکنون هسته مرکزی نظام سرمایه داری از این تحولات در امان مانده است.

نظام بین المللی سرمایه داری همانند یک چرخه بسیار عظیم عمل می کند. در این چرخه نهادهای مرکزی، سرمایه ها را به مناطق حاشییه ای ارسال می کنند و در یک فرآیند

آن را مجددا جذب مرکز می نمایند. ولی اکنون خطرات بسیاری در کمین چرخه سرمایه نشسته است. طبیعت بازارهای مالی به گونه ای است که بدنبال زیاده خواهی برخی، به سمت بی ثباتی پیش می رود. 'سوروس' به فعالیتهای خود در زمینه تاسیس صندوقهای سرمایه گذاری در اروپای شرقی و آسیا اشاره می کند و می گوید: ما براساس تجربیات خود، نهادهایی را بوجود آورده ایم تا از زیاده رویها در بازار جلوگیری کنیم. مدل 'توازن قوا' در بازارهای مالی راهگشا نیست. این مدل در بازارهایی که با حجم مشخصی از کالا روبرو هستیم، چاره ساز است ولی در بازارهای مالی اینچنین نیست؛ چرا که نمی توان با قاطعیت چیزی را مشخص کرد. بازارهای مالی به نظارت و کنترل نیاز دارند. من مایلم جهان را متقاعد سازم که بازارهای مالی نیازمند نظارت می باشند. 'سوروس' در پاسخ به این اتهام که برخی او را در بحرانهای اخیر مقصر اصلی می دانند، می گوید: من بین این دو حوزه، یعنی حوزه منافع اقتصادی و حوزه مسائل انسانی، قایل به یک مرزبندی می باشم. من بعنوان کسی که در بازار فعالیت می کند، ناچار از تن دادن به قواعد بازار هستم. اگر من از سوداگری دست بردارم، دیگری جای من را خواهد گرفت. حتی اگر من هم به دنیا نمی آمدم؛ باز هم تا بلند از ارزش پول ملی خود می کاست، ولی ما باید به این نکته توجه داشته باشیم که در ایفای نقش بعنوان یک رقیب اقتصادی، ویژگیهایی وجود دارد که آنرا از یک شهروند باوجدان متمایز می کند. من بعنوان کسی

که در بازار عمل می کند، نمی توانم چیزی را در این عرصه تغییر دهم، اما بعنوان یک شهروند باوجدان! از عدم ثبات در بازارهای مالی بسیار نگران هستم. بر این اساس تمام سعی خود را به کار می گیرم تا قواعد تازه ای را برای بازار ابداع کنم. نظام سرمایه داری باید به حیات خود ادامه دهد. من خود یک کاپیتالیست هستم و بر این اعتقادم که بازار آزاد و داراییهای شخصی برای یک جامعه باز ضروری هستند. اما باید بگویم که نظام سرمایه داری در وضعیت کنونی قابل

داری از سیاست عدم مداخله در مکانیسم بازار حمایت می کنند، ولی من نگران هستم. به همین دلیل در عین پایبندی به قوانین فعلی بازار، در صدد تغییر قواعد آن می باشم. ما نیاز به کنترل بازارهای مالی داریم. کنترلها را تنها از طریق بانکها می توان انجام داد، زیرا تمام معاملات از طریق نظام بانکی انجام می شود.

'سوروس' در پایان می گوید: پس از فروپاشی یک رژیم استبدادی در روسیه، به جای آنکه شاهد یک جامعه باز باشیم، ناظر یک نسخه

بحران سرمایه داری و یک شهروند با وجدان

قبول نیست. بنابراین، انتقادهای من نباید این تصور را القا کند که من دشمن نظام سرمایه داری یا اینکه طرفدار سوسیالیسم می باشم.

'سوروس' در نقد جامعه سرمایه داری می گوید: معمولا چنین تصور می شود که انسانها به اهداف خود آگاه هستند؛ اما این تصور صحیح نیست. در جامعه ما فعالیتهای تجاری و اقتصادی، جایگزین روابط انسانی شده است. اکنون افراد خود را در مقابل امکانات متعددی می بینند که در عین حال، آشفتگی و سرگردانی را با خود به همراه آورده است. پول را دیگر وسیله ای برای رسیدن به هدف نمی پندارند، بلکه آنرا هدف نهایی می انگارند. من بر

این اعتقاد هستم که بازار، مکانیسمی را عرضه می کند که قادر به تامین نیازهای فردی می باشد. اما در این مکانیسم نیازهای اجتماعی پاسخی برای خود نمی یابند. در دموکراسی پارلمانی، مکانیسمی وجود دارد که آسایش همگان را تامین می کند. اما در اقتصاد بازار چنین رویکردی به تامین آسایش همگانی وجود ندارد. هر چند در عصر ما بنیادگرایان سرمایه



جلی از سرمایه داری بوده ایم که بسیار دلسرد کننده می باشد. پاسخهای جوامع غربی به رویدادهای روسیه مایوس کننده است. به نظر می رسد آنها بیشتر در اندیشه آسایش خود می باشند و گرایش چندانی به انسانهای آن سوی مرزهای خود ندارند.

'اشپیگل، دسامبر ۹۸'